

شهر اندیشه های شهریار

دکتر محمد ناصر

عضو هیأت علمی گروه فارسی، دانشکده ی خاورشناسی

دانشگاه پنجاب لاهور پاکستان

SHEHRYAR'S THOUGHTS

AN ANALYTICAL STUDY

Muhammad Nasir, PhD

Professor of Persian

Department of Persian, University of the Punjab, Lahore

Abstract

Sayyed Mohammad Hossein Behjat Tabrizi was a legendary Iranian poet of Azeri origin, wrote in Azerbaijani and Persian languages. Sherhryar was the first Iranian to write significant poetry in Turkish. His poems are mainly influenced by Hafez and Khasta Gasem, an old Turkish poet. His most famous poem Heydar-Babaya Salam is considered the best modern poem in Turkish language. Many of his bitter sweet memories are composed in Azerbaijani and later translated into Persian. He also wrote a book of epic poems, Takht-e Jamshid. He was interested in humanistic issues and in his poem "A letter to Einstein" he criticizes result of his scientific work that was abused as nuclear weapons. One of the major reasons for the success of Shahyar's work is the sincerity of his word. Since he uses slang and colloquial language in the context of poetry, his poems are understandable and effective for a broad segment of the public.

Keywords: 20th century Persian poetry, Shahryar, Life, Works, Style, Theme, Impact, Ideology.

سید محمد حسین بهجت تبریزی متخلص به "شهریار"، شاعر بلند آوازه‌ی ایرانی که به زبانهای ترکی، آذربایجانی و فارسی شعر سروده است، در سال ۱۲۸۵ ش در شهر تبریز، مرکز آذربایجان شرقی ایران، متولد شد. پدرش حاج میرآقا بهجت تبریزی نام داشت که در تبریز وکیل بود. (محمدی، ۲۵۴) شهریار دوران کودکی خود را در میان روستائیان صمیمی و خونگرم خشگناب در کنار کوه افسونگر "حیدر بابا" گذراند، و خاطرات زندگی‌های لطیف خود را در میان مردم مهربان و پاک طینت روستا و در حریم آن کوه سحرانگیز به ذهن سپرد. او شرح حال دوران کودکی خود را در اشعار آذربایجانی اش بسیار زیبا، تأثیرگذار و روان به تصویر کشیده است. (همو، همانجا)

شهریار پس از به پایان رساندن تحصیلات مقدماتی در سال ۱۳۰۰ ش به تهران رفت و دنباله‌ی تحصیلات خود را در "دارالفنون" ادامه داد، در سال ۱۳۰۳ ش وارد مدرسه‌ی طب شد، و پس از پنج سال تحصیل در رشته‌ی پزشکی، یک سال قبل از دریافت درجه‌ی دکتری پزشکی به جهت دگرگونی روحی ویژه‌ای که پیدا کرده بود، به طور کلی رشته‌ی پزشکی را رها کرد. اصولاً تحصیل در این رشته با روحيات شهریار همخوانی نداشته است. گفته می‌شود شهریار دانشجوی سال آخر رشته‌ی پزشکی بود که عاشق دختری شد. پس از خواستگاری نیز گویا خانواده‌ی دختر با توجه به وضع مالی محمد حسین تصمیم گرفت که دختر خود را به خواستگار مرفه‌تر بدهد. این شکست عشقی بر او بسیار گران آمد، و با این که فقط یک سال به پایان دوره‌ی پزشکی مانده بود، ترك تحصیل کرد. (آرین پور، ۵۱۰)

شهریار بعد از این شکست عشقی که منجر به ترك تحصیل وی

شد، به صورت جدی به شعر روی آورد و منظومه های بسیاری را سرود. پس از سفر چهارساله ای به خراسان برای کار در اداره ی ثبت اسناد مشهد و نیشابور، به تهران بازگشت. او در ۱۳۱۵ش در بانک کشاورزی استخدام و پس از مدتی به تبریز منتقل شد. دانشگاه تبریز شهریار را یکی از پاسداران شعر و ادب میهن خواند و عنوان دکترای افتخاری دانشکده ی ادبیات تبریز را نیز به وی اعطا نمود. (زاهدی، ۴۷) در سالهای ۱۳۲۹ تا ۱۳۳۰ش اثر مشهور خود - حیدرپایه سلام - را سرود. منظومه حیدرپایا به زبانهای متعدد جهان ترجمه و منتشر شده است. (محمدی، ۲۵۲-۲۵۵)

شهریار در ۱۳۱۲ش پدرش را از دست داد، و در تیر ماه ۱۳۳۱ش مادرش درگذشت. (آرین پور، ۵۱۰) و در سال ۱۳۳۲ش، در ۲۸ سالگی با یکی از بستگانش ازدواج کرد. همسرش آموزگار بود و در تبریز تدریس می کرد. سرانجام خورشید حیات شهریار ملک سخن و آفتاب زندگی ملک الشعرا ی بی بدیل ایران پس از بهشتاد و سه سال تابش پُرفروغ در کوپستانهای آذربایجان در مهر ماه ۱۳۲۷ش غروب کرد (محمدی، همانجا)

اما او هرگز نمرده است زیرا اکنون نام او زیبنده ی روز ملی شعر و ادب ایران و نیز صدپها، میدان، خیابان، مرکز فرهنگی، بوستان و ... در کشور ایران و نیز در ممالک حوزه های آسیای مرکزی، قفقاز و ترکیه می باشد. ۲۷ شهریور ماه سال ۱۳۲۷ش سالروز وفات آن شاعر عاشق و عارف بزرگ است. در آن روز پیکرش بر دوش دهها هزار تن از دوستدارانش تا مقبره الشعرا ی تبریز حمل شده در جوار افاضل ادب و هنر به خاک سپرده شد. ۲۷ شهریور ماه، سالروز خاموشی شهریار شعر ایران با تصویب شورای عالی انقلاب فرهنگی "روز ملی شعر و ادب" نامیده شده است. (زرفانی، ۱۷۴)

استاد محمد حسین بهجت تبریزی در اوایل شاعری، از تخلص
 "بهجت" در اشعار خود استفاده می کرد. روزی به این فکر می افتد که
 تخلص شعری جدیدی برگزیند. از آنجا که از دوره ی کودکی به حافظ
 شیرین سخن (۴۲۷. ۴۹۲ق) ارادت خاصی داشت، در این کار از او استمداد
 می کند. پس از اهدای حمد و سوره ای به روان خواجه ی شیراز، به دیوان او
 مراجعه می کند و این مصرع در جلو چشمش نمایان می شود:

"که چرخ سکه ی دولت به نام شهریاران زد" (۱)

سید محمد حسین از دیدن این مصرع ابرو درهم می کشد و بار
 دیگر تذالی به دیوان حافظ می زند. این بار نیز این مصرع می آید:
 "به شهر خود روم و شهریار خود باشم" (حافظ، ۴۵۷) (۲)
 شهریار لبخندی می زند و می گوید:

"لطف آنچه تو اندیشی، حکم آنچه تو فرمایی" (همو، ۲۷۵)

از آن تاریخ استاد محمد حسین بهجت تبریزی، تخلص

"شهریار" را برای خود بر می گزیند.

شهریار به شعر نظامی گنجوی (۲۰۸.۵۳۷ق) نیز توجه ی خاصی
 داشته و از لحاظ زبان از او متأثر است. (مشرف، ۲۹) مقایسه ی ابیاتی از
 شهریار و نظامی این تأثیر را نشان می دهد. شهریار روشن بین بود، و به
 تمامی هنرها، به ویژه شعر، موسیقی و خوشنویسی علاقه داشت. او نسخ و
 نستعلیق را خوب می نوشت و قرآن را با خط خوش کتابت می کرد. در
 جوانی، سه تار را به نیکویی تمام می نواخت، ولی پس از مدتی در پی
 تحولات درونی، برای همیشه آن را کنار گذاشت. نخستین منظومه ای که
 از شهریار به چاپ رسیده است مثنوی "روح پروانه" است که به دنبال آن

در سال ۱۳۱۰ش از اشعار وی با مقدم بزرگان ادب آن روزگار، نظیر ملک الشعراء علامه محمد تقی بهار (۱۲۲۵-۱۳۳۰ش) و استاد سعید نفیسی (۱۲۴۴-۱۳۳۵ش)، به همت کتابخانه ی خیام چاپ و منتشر شد. (آرین پور، ۵۱۱) بهار که خود شاعری زبردست بود، درباره ی شعر شهریار گفته است: "او نه تنها افتخار ایران، بلکه افتخار شرق است." (مقدمه ی روح پروانه) بیشتر اشعار شهریار به مناسبت حال و مقال سروده شده و از این روست که شاعر همه جا، حتی در بلندترین غزلهای خود که با سخن استادان بزرگ شعر پارسی برابری می کند، از آوردن لغات و تعبیرات روز و اصطلاحات معمول عامیانه امساک نمی کند و تنها صبیغه زمان است که شعر او را از سخن گویندگان قدیم جدا می سازد. بسیاری از اشعار او به فارسی و زبان ترکی آذربایجانی جز آثار ماندگار این زبانهاست، شهرت شهریار تقریباً بی سابقه است، تمام کشورهای فارسی زبان و ترك زبان، بلکه هر جا که ترجمه ی یک قطعه ی او رفته باشد، پند او را می ستایند. (یا حقی، ۱۲۸-۱۲۴)

منظومه هیدر با پایه سلام که در سالهای ۱۳۲۹ تا ۱۳۳۰ش سروده شده است، از مهمترین آثار ادبی ترکی آذربایجانی شناخته می شود. "هیدر با" نه تنها تا کوره دهبای آذربایجان، بلکه به ترکیه و قفقاز هم رفته و در ترکیه و جمهوری آذربایجان چندین بار چاپ شده است، بدون استثنا ممکن نیست ترك زبانی منظومه ی هیدر با را بشنود و منقلب نشود. این منظومه از آثار جاویدان شهریار و نخستین شعری است که وی به زبان مادری خود سروده است. او در سرودن این منظومه از ادبیات ملی آذربایجان الهام گرفته است. این منظومه تجلی شور و خروش جوشیده از

عشق شهریار به مردم آن دیار است و در اکثر دانشگاه های جهان از جمله دانشگاه کلمبیا در ایالات متحده آمریکا مورد بحث رساله ی دکتری قرار گرفته است.

شهریار در سرودن شعر ذوق و توانایی شگفت انگیزی داشت. او پیرو مکتب ادبی و عرفانی حافظ بود. او شاعرهای جاودانه ای در قالب قصیده، غزل، مثنوی، رباعی و شعر آزاد پدید آورد و آثار درخشانی به دو زبان فارسی و ترکی بر جای گذاشت. شاعر ما علاقه به آب و خاک وطن را در غزل آذربایجان (۵۵۳/ج ۱)، عید خون (۲۰۷/ج ۱) و قصاید مهمان شهریزور (۵۰۹/ج ۱)، شیون شعر (۲۷۰/ج ۱) و به آخره تخت جمشید (۵۵۹/ج ۱) به زبان شعر بیان کرده است. طبع شهریار در قالب گیری بسیار قوی است. کلمات زیبا و قافیه های سنگین را با تردستی و چالاکتی شکار می کند. فکر و اندیشه و مضامین نور را با مصالحتی که غالباً از استادان قدیم به عاریه گرفته، کار می گذارد. شمع و شابد و اشک و چاه و غم همکار او هستند، ولی شهریار در این لباس فاخر کهنه ی دیگران، آزاد و مستقل است. شرح عشق طولانی و آتشین شهریار در غزلهای ماه سفر کرده (۲۳۱/ج ۱)، توشه ی سفر (۲۰۲/ج ۱)، پروانه در آتش (۹۷/ج ۱)، غوغای غروب (۲۲۹/ج ۱) و بوی پیراهن (۲۲۲/ج ۱) مشروح است، و زمان سختی آن عشق در قصیده پرتو پاینده (۵۰۲/ج ۱) بیان شده است، و غزلهای خسار انتظار (۲۹۸/ج ۱)، ناله ی ناکامی (۲۹۲/ج ۱)، شابد پنداری (۲۳۲/ج ۱)، شکرین پسته خاموش (۲۲۱/ج ۱)، تو پیمان و دگران (۲۳۷/ج ۱)، ناله ی نومیدی (۱۹۲/ج ۱)، و مثنوی غروب نیشاپور (۹۰/ج ۲) حالات شاعر را در جریان آن عشق حکایت می کند. او در دیوان

خود از خاطرات آن عشق غزلها و اشعار دیگری نیز دارد، از قبیل حالا چرا (۱/ج ۷۹) و دستم به دامانت (۱/ج ۱۴۷) که مطالعه‌ی آنها به خوانندگان نشاط می‌دهد.

عشق عارفانه‌ی شهریار را می‌توان در خلال غزلهای یار قدیم (۱/ج ۳۲۲)، انتظار (۱/ج ۳۹۰)، جمع و تفریق (۱/ج ۴۰۲)، وحشی شکار (۱/ج ۳۲۷)، یوسف گمگشته (۱/ج ۳۴۷)، مسافر بیدان (۱/ج ۲۰۳)، حراج عشق (۱/ج ۲۹۳)، سوز صیبا (۱/ج ۴۴۰)، و نای شبان (۱/ج ۴۱۳)، اشک مریم (۲/ج ۴۲۹)، دو مرغ پهبستی (۲/ج ۱۸۵)، و غزلهای ملال محبت (۱/ج ۱۴۷)، نسخه‌ی جادو (۱/ج ۱۸۵)، شاعر افسانه (۱/ج ۳۳۵) و خیلی آثار دیگر مشاهده کرد. برای آن که عشق شهریار را تماشا کنید، کافی است عشق او را در صفحات دیوان بیابید و جلوی روشنی دل بگذارید، هر چه ملاحظه کردید همان است که شهریار می‌خواست است. محرومیت و ناکامیهای شهریار در غزلهای گوهر فروش (۱/ج ۳۰۴)، ناکامیها (۱/ج ۹۴)، چرس کاروان (۱/ج ۳۳۰)، ناله‌ی روح (۱/ج ۸۴) و زفاف شاعر (۲/ج ۲۲۲) به زبان خود شاعر بیان شده است. خیلی از خاطرات تلخ و شیرین شهریار از کودکی تا امروز در هذیان دل (۲/ج ۲۳۱)، مومیمایی (۲/ج ۲۱۹)، افسانه‌ی شنب (شامل هفده شعر: ۲۰۵ الی ۲۹۱/ج ۲)، و حیدر با پایه به نظر می‌رسد.

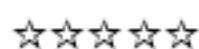
شهریار روح بسیار حساسی داشت. او سنگ صبور غمهای نوع انسان بود. اشعار او تجلی دردهای بشری است. او مقوله‌ی عشق را در اشعار خویش نابتر از هر شعری عرضه داشته است. شعر او، با زندگی وی در آمیخته و با عقایدش جان گرفته است؛ به طوری که از عمق ضمیر او

فوران می‌کنند و عقیده‌ی استوار و اندیشه‌ی ناب او را آشکار می‌سازد. شهریار، دوستدار و عاشق قرآن بود، و این عشق در شعرهای او پویداست؛ عشق و ارادت خاص شهریار به امیرالمؤمنین حضرت علی، رنگ دیگری دارد و سبب شده است معروفترین، زیباترین و گیراترین اثر خود، یعنی "علی ای همای رحمت" (۲۹/ج ۱) را بسراید که سرودن آن، ماجرایی بس خواندنی دارد و آدمی را منقلب می‌کند. (۲)

شهریار، شعر را پسرمنزانه به خدمت گرفته بود تا مذهب، ملت و میهن خود را به جهانیان معرفی کند. شعر او گاه خواننده را به اندیشه‌های دور و دراز می‌برد، به آسمانهای عرفان و انسانیت کامل پرواز می‌دهد، و عالم‌هایی بالاتر از این عالم ظاهری را که خود درک کرده است به او نشان می‌دهد، گاه نیز خواننده را دگرگون می‌کند و او را می‌دارد، بی‌اختیار به روزگار حسرت خود، به ناپایداری روزگار، آرزوهای محال، فرصت‌های از دست رفته و بر آن گذشته‌ای که باز آمدنی نیست اشک بریزد، و نیز گذشته‌ی تلخ و شیرین خود را در آن ببیند. در واقع، هر یک از شعرهای شهریار، پرده‌ای از سوز و سازها و افت و خیزهای زندگی او را نشان می‌دهد، و او همواره از وطن، اجتماع و تاریخ سخن می‌گوید. علاوه بر این "از شاعران نام آور پیش از انقلاب، کسانی شعر جنگ سروده‌اند که از جمله می‌تون از شهریار نام برد که نمونه‌هایی خوب از شعر جنگ را با تنوعات مفهومی پدید آورده‌اند." (رستگار فسایی، ۲۲۵)، او را از سایر شاعران معاصر برجسته‌تر می‌نماید، او پس از انقلاب اسلامی ۱۳۵۷ش شعرهایی در مدح نظام جمهوری اسلامی ایران نیز می‌سراید.

شهریار شاعری عاشق بود که شعر او جلوه‌ای از پاکی و جود

و تبلور حقیقتی احساس بود. تازگی مضمون، خیال، تعبیر، حتی در قالب شعر دیوان او را از بسیاری شاعران عصر متمایز کرده است. بی تردید در میان سخنوران قرن بیستم میلادی کمتر شاعری به نام و آوازه ای همچون شهریار دست یافته است. در بررسی مجموعی به این نتیجه می‌رسیم که او شاعری نوجور و پویاست و سبک بیان او نیز ادامه و دنباله سبک دوره بازگشت ادبی است که مسیری در کمال نیز پیموده است.



یادداشتها

۱. در دیوان حافظ به کوشش خطیب رهبر همین بیت بدین قرار است:
دوام عمر و ملک او بخواه از لطف حق ای دل / که چرخ این سکه دولت
به دور روزگاران زد
(دیوان حافظ، به کوشش خطیب رهبر، ص ۲۰۸)
 ۲. شهریار در یک غزل با مطلع: گذشت آنکه در آغوش یار خود باشم / به
زیر چتر گل گل‌عذار خود باشم
به آن قصه اشاره ای دارد، مقطع همان غزل بدین قرار است:
گذشت آنکه به فرمان خواجه ی شیراز / "به شهر خود روم و شهریار خود
باشم" (شهریار، دیوان، ۳۰۹/ج ۱)
 ۳. علی ای همای رحمت...
- علی ای همای رحمت توجه آیتی خدا را / که به ما سوا فکندی همه سایه ی هما را
دل اگر خدا شناسی همه در رخ علی بین / به علی شناختم من به خدا قسم خدا را

به خدا که در دو عالم اثر از فنا نماند / چو علی گرفته باشد سرچشمه ی بقا را
 مگر ای سحاب رحمت تو بیاری ار نه نوزخ / به شرار قهر سوزد همه جان ما سوا را
 برو ای گدای مسکین در خانه ی علی زن / که نگین پادشاهی دهد از کرم گدا را
 به جز از علی که گوید به پسر که قاتل من / چو اسیر توست اکنون به اسیر کن مدارا
 به جز از علی که آرد پسری ابوالعجایب / که علم کند به عالم شهدای کربلا را
 چو به دوست عهد بندد ز میان پاکبازان / چو علی که می تواند که به سر برد وفا را
 نه خدا توانمش خواند نه بشر توانمش گفت / متحیرم چه نامم شه ملک لافتی را
 به دو چشم خون فشانم پله ای نسیم رحمت / که ز کوی او غباری به من آرد توتیا را
 به امید آن که شاید برسد به خاک پایت / چه پیامها سپردم همه سوز دل صبا را
 چه تریبی قضای گردان به دعای مستمندان / که ز جان ما بگردان ره آفت قضا را
 چه زخم چو نای هر دم ز نوای شوق او دم / که لسان غیب خوشتر بنوازد این نوا را:
 ”همه شب در این امیدم که نسیم صبحگاهی / به پیام آشنایی بنوازد آشنا را“
 ز نوای مرغ یا حق بشنو که در دل شب / غم دل به دوست گفتن چه خوش
 است شهریارا (۴۹/ج ۱)

آیت العله مرعشی نجفی فرمودند: وقتی شعر شهریار تمام شد، از خواب بیدار شدم. فردای آن روز پرسیدم که شهریار شاعر، کیست؟ گفتند: شاعری است که در تبریز زندگی می کند. گفتیم: از جانب من او را دعوت کنید. چند روز بعد شهریار آمد؛ دیدم همان کسی است که من او را در خواب در حضور حضرت علی دیده ام. از او پرسیدم: این شعر ”علی ای بسای رحمت“ را کی ساخته ای؟ شهریار با حالت تعجب از من سوال کرد که شما از کجا خبر دارید که من این شعر را ساخته ام، چون من نه این شعر را به کسی داده ام و نه درباره آن با کسی صحبت کرده ام. آیت الله مرعشی گفت: چند شب قبل من خواب دیدم که در مسجد کوفه هستم و حضرت امیرالمؤمنین

تشریف دارند . حضرت، شعرای اهل بیت را احضار فرمودند. ابتدا شعرای عرب آمدند . سپس فرمودند: شعرای فارسی زبان را بگویید بیایند. آنها نیز آمدند . بعد فرمودند: شهریار ما کجاست؟ شهریار را بیاورید! و شما هم آمدید. آنگاه حضرت فرمودند: شهریار شعرت را بخوان، و شما شعری که مطلع آن را به یاد دارم، خواندید . شهریار فوق العاده منقلب می شود و می گوید: من فلان شب این شعر را ساخته ام و همانطور که قبلاً عرض کردم، تا کنون کسی را در جریان سرودن این شعر قرار نداده ام.

☆☆☆☆☆

کتابشناسی

- آرین پور، یحیی (۱۳۷۲ش) از نیما تا روزگار ما، تاریخ سال ادب فارسی معاصر، چاپ اول، انتشارات زوار، تهران، ایران
- حافظ شیرازی (۱۳۷۴ش) دیوان غزلیات، به کوشش خلیل خطیب رهبر، چاپ پانزدهم، انتشارات صفی علیشاه، تهران، ایران
- رستگار فسایی، منصور (۱۳۸۰ش) انواع شعر فارسی، مباحثی در صورتها و معانی شعر کهن و نو پارسی، چاپ دوم، انتشارات نوید، شیراز، ایران
- زاهدی، لطف الله (۱۳۳۷ش) بیوگرافی استاد شهریار . چاپ دهم، انتشارات نگاه و زرین، تهران و تبریز، ایران
- زرفانی، سید مهدی (۱۳۸۳ش) چشم انداز شعر معاصر ایران، چاپ اول، انتشارات سخن، تهران، ایران
- شمیسا، سیروس (۱۳۸۳ش) راهنمای ادبیات معاصر، چاپ نخست، نشر میترا، تهران، ایران
- شهریار، استاد محمد حسین بهجت تبریزی (۱۳۷۷ش) دیوان شهریار، دوره ی دو جلدی، چاپ بیستم، انتشارات زرین و انتشارات نگاه، تهران، ایران
- همو (۱۳۹۳ش) سلام بر حیدر بابایه: ترجمه ی حیدر بابای شهریار به شعر فارسی، ترجمه ی امیر حسین الهیاری، نشر قطره، تهران، ایران

- علی‌محمدی، ابوالفضل، ریحانه گلهر، سید فرشید سادات شریفی (۱۳۹۳ ش) کتابشناسی استاد شهریار، انتشارات ریتم، تبریز، ایران
- محمدی، حسن علی (۱۳۷۳ ش) از بهار تا شهریار، شعر معاصر ایران، (دوره ی دو جلدی) چاپ دوم، انتشارات ارغنون، تهران، ایران
- مشرف، مریم (۱۳۸۲ ش) مرغ بهشتی، زندگی و شعر سید محمد حسین بهجت تبریزی شهریار، چاپ اول، نشر ثالث، تهران، ایران
- وفایی، عباس علی (۱۳۸۷ ش) سفر در آینه، نقد و بررسی ادبیات معاصر، چاپ اول، انتشارات سخن، تهران، ایران
- هیأت علمی همایش و جمعی از نویسندگان، ویراستار: حمید سفیدگر شهانقی (۱۳۹۳ ش) شاهد شعر، مجموعه ی مقالات همایش بین المللی فرهنگ مردم در شعر استاد شهریار، انتشارات ریتم، تبریز، ایران
- یاحقی، محمد جعفر (۱۳۷۵ ش) چون سبوی تشنه، چاپ سوم، انتشارات جام، تهران، ایران

